



(مقاله پژوهشی)

واکاوی مفهوم خرد و ویژگی‌های افراد خردمند در پرتو نهج البلاغه

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، اکبر عروتی موفق^۲، حسین نادری پور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

(از ص ۱۲۱ تا ۱۴۱)

چکیده

خرد و خردمندی از پرسامدترین واژه‌ها در قالب‌های مختلف اشتقاقی در نهج البلاغه است که موضوع‌های گوناگونی چون: دانش، بینش، خودتنظیمی، انگیزش، کارکرد اجتماعی و اخلاق را در بردارند. در این میان امام علی(ع) با بهره‌مندی از دانش الهی و برای ارتقاء جایگاه انسانی، اشکال مختلف خردورزی را در سخنان خویش به کار گرفته است تا تصاویری اثرگذار در ذهن انسان ایجاد کند. لذا این موضوع در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه نهج البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف واکاوی مفهوم خرد و ویژگی‌های افراد خردمند در پرتو نهج البلاغه انجام شده است. نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که دیدگاه و نگرش امام علی(ع) به مبحث خرد و ویژگی‌های افراد خردمند کاملاً مطابق با معیارهای شناخته‌شده در این زمینه می‌باشد و تعقل، بینش، تأمل، مدیریت زندگی و یادآوری که از اهداف و موضوعات مهم خرد است، مورد اهتمام امام علی(ع) نیز واقع شده است. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، میان‌روی، گشودگی به تجارب، دوستی با دانایان، مشورت کردن، دوراندیشی، بصیرت، پرهیز از بیهوده‌گویی، آگاهی، یقین و کسب دانش، بارزترین ویژگی‌های افراد خردمند از منظر نهج البلاغه است.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، نهج البلاغه، خرد، خردمند، عقل.

۱. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

بدون تردید، ترقی و تکامل بشر مرهون خردورزی و اندیشیدن اوست. تمامی دستاوردهای بشری اعم از نظریاتی که در حوزه جامع علوم انسانی پدید آمده و یا اختراعات و اکتشافاتی که در عرصه‌های دانش و فناوری صورت گرفته، همه و همه مبتنی بر قوه اندیشه‌ورزی و تعقلی است که در وجود بشر نهادینه شده است. بر این اساس، می‌توان گفت: حیات انسانی، حیاتی فکری است و زندگی بشر جز با تفکر سامان نمی‌پذیرد و هرچه این زندگی بیشتر بر تفکر و اندیشه استوار باشد به همان اندازه از استحکام و مطلوبیت بیشتری برخوردار است (سیاوشی، فاضلیان، ۱۳۹۴: ۷۲). از سوی دیگر در بررسی متون علوی تبیین و تفسیرهای معرفتی از دین را شاهدیم که رهاورد عقل خارج از هندسه معرفت دینی نیست و عقل منبعی معتبر در کنار نقل، نه فقط موجب تکوین، افزایش دانش و شناخت دین است، بلکه کاشف محتوای اعتقادی، اخلاقی و قوانین فقهی نیز می‌باشد (الهی، مهدوی‌نژاد، دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۲).

با بررسی متون مختلف در زمینه خرد^۱ می‌توان به این موضوع پی برد که نمی‌توان نقش بی‌بدیل کتب دینی وحیانی و غیر وحیانی را در درک و دستیابی به خرد نادیده گرفت. پس از قرآن، بسیاری از کتب دینی دیگر گاه به شکل مستقیم و گاه به طور غیر مستقیم به خردورزی اشاره نموده‌اند و انسان‌ها را به سمت خردمند بودن هدایت کرده‌اند. از مهم‌ترین این کتب می‌توان به نهج‌البلاغه اشاره نمود؛ سراسر نهج‌البلاغه و دیگر منابعی که مشتمل بر سخنان امام‌علی(ع) است، به تعقل و خردورزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نجات‌بخش بشر در عرصه‌های مختلف زندگی انسان، توجه ویژه‌ای شده است (سیاوشی، فاضلیان، ۱۳۹۴: ۷۲). لذا از برجسته‌ترین مفاهیمی که در کلام حضرت علی(ع) مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است، خرد و خردورزی است: همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است (حکمت/۳۸).

در همین راستا ما در این جستار با مطالعه این کتاب غنی که به‌عنوان منبعی ارزشمند از خطبه‌های حکیمانه، نامه‌ها و حکمت‌ها می‌باشد، در پی واکاوی جایگاه خرد و ویژگی‌های افراد خردمند هستیم.

۱-۱. بیان مسأله

خرد یکی از موضوعات مهم در علم روانشناسی می‌باشد که در دین اسلام بسیار برآن تأکید شده است، به‌طوری‌که امام‌صادق(ع) در این باره می‌فرماید: حجت خدا بر بندگانش پیامبر است و حجت میان هر یک از بندگان و خدا، خرد و عقل است (کلینی، ۱۳۸۷: ۴۳). در همین راستا نهج‌البلاغه دارای سخنان بسیار مهمی در باب خرد و خردورزی است که پرداختن به آن‌ها و انجام تحقیقات گسترده در این زمینه می‌تواند راه‌گشای ارزشمندی برای رفتارهای فردی و اجتماعی انسان در جامعه باشد. برای نمونه در (حکمت/۳۹۰)، امام‌علی(ع) در مورد ویژگی‌های فرد خردمند می‌فرماید: خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب روزی حلال برای تأمین زندگی، گام نهادن در راه آخرت و به‌دست آوردن لذت‌های حلال. همچنین در (حکمت/۴۲۴)، بیان شده است که بردباری پرده‌ای می‌باشد پوشاننده و خرد

شمشیری است برآن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بیوشان و هوای نفس خود را با شمشیر خرد بکش. به طور کلی با استخراج، تبیین و شناخت خرد در نهج البلاغه می‌توان بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی را کنترل نمود. از این رو در این جستار خواهیم کوشید تا با روش توصیفی-تحلیلی، علاوه بر آشنایی با خرد و ویژگی‌های افراد خردمند، جایگاه این مفهوم را در علم روان‌شناسی مشخص کرده و با توجه به سخنان گران‌بهای حضرت علی(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، پاسخی مناسب برای این سؤال بیابیم که، مقوله خرد در نهج البلاغه از چه جایگاهی برخوردار است و آیا ویژگی‌های فرد خردمند در نهج-البلاغه مورد بیان واقع شده است؟

شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز از نوع اسنادی بود که با کاوش در نهج البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها) مطالعه و استخراج شدند، بدین شکل که مطالبی که از متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بیانگر خرد و ویژگی‌های افراد خردمند بودند شناسایی شدند و از طریق کدگذاری مقوله‌ها، مفاهیم مرتبط با خرد و ویژگی‌های افراد خردمند بدست آمد. سپس با استفاده از کدگذاری مقوله‌ها، مفاهیمی که دارای بار معنایی مشترکی بودند، در یک ویژگی قرار داده شدند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعه و بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون مطالبی در ارتباط با خردورزی و عقل از سوی تعدادی از نویسندگان سامان یافته است، که در سطوح زیر به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

- مقاله "دعوت به تعقل و نشانه‌های عقل‌گرایی در نهج البلاغه" اثر سیاوشی و فاضلیان انتشار یافته در پژوهش‌نامه نهج البلاغه (۱۳۹۴). در این جستار نویسندگان تلاش نموده‌اند، عقل‌گرایی و ارشاد به سوی تعقل را از نگاه امام‌علی(ع) در نهج البلاغه مورد بررسی و کاوش قرار دهند. در این پژوهش به ۱۳ مورد از نشانه‌های عقل‌گرایی از منظر نهج البلاغه اشاره شده است.

- مقاله "آثار به کارگیری عقل در نهج البلاغه" اثر قاسمی حامد و معارف، انتشار یافته در پژوهش‌نامه علوی(۱۳۹۸). در این مقاله نیز نگارندگان با در نظر گرفتن آثار به کارگیری عقل، به واکاوی جایگاه آن در نهج البلاغه پرداختند و در صدد ارائه به کارگیری عقل از منظر این کتاب ارزشمند بوده‌اند.

- مقاله "جایگاه عقل در معرفت دینی از نگاه امام‌علی(ع)" اثر الهی، مهدوی‌نژاد و دلشاد تهرانی، انتشار یافته در پژوهش‌نامه علوی (۱۳۹۴). نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا به استناد به فرمایشات امام-علی(ع)، ضمن بیان اهمیت عقل، جایگاه آن را در معرفت دینی مورد کنکاش قرار دهند.

- مقاله "تقابل عقل و هوا در کلام امام‌علی(ع)" اثر فقهی‌زاده و چینی‌فروشان، انتشار یافته در پژوهش‌نامه علوی (۱۳۹۰). نگارنده‌ها در این جستار به بررسی تقابل عقل و هوا در کلام امام‌علی(ع) پرداختند. همچنین در این مقاله به مبحث عقل عملی و عقل نظری نیز اشاره شده است.

- مقاله "بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی" اثر کردنوقایی، نبی‌زاده و حدادی، انتشار یافته در مجله روان‌شناسی و دین (۱۳۹۶). نگارندگان این مقاله به دنبال تبیین خردورزی بر اساس اعتقادات دینی و سبک‌های هویتی بودند.

- مقاله "مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف در نهج البلاغه" اثر کریمی، دل-افکار و جعفری، منتشر شده در پژوهشنامه نهج‌البلاغه (۱۳۹۶). نویسندگان این مقاله تلاش نموده‌اند تا جایگاه مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار دهند.

- مقاله "خردورزی و شیوه‌های خردپروری در سیره امام حسین(ع) با تأکید بر واقعه عاشورا" توسط بدیعیان گورتی، میرشاه جعفری و لیاقتداری، در فصلنامه تربیت اسلامی (۱۳۸۸) انتشار یافته است. نویسندگان در این مقاله تلاش نموده‌اند که جایگاه خرد و شیوه‌های خردپروری را از منظر سیره امام-حسین و با تأکید بر واقعه عاشورا بیان و آن را مورد واکاوی قرار دهند.

تا آنجا که نگارندگان این مقاله جستجو نموده‌اند، پژوهشی که مفهوم خرد و ویژگی افراد خردمند را از منظر نهج‌البلاغه مورد بررسی و کنکاش قرار دهند، یافت نشده است. به عبارت دیگر نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است که پژوهش‌های صورت گرفته، آن‌چنان که بایسته می‌رود به خرد و ویژگی‌های افراد خردمند توجه لازم را مبذول نداشته‌اند؛ لذا، در پژوهش حاضر در پی بررسی مفهوم خرد و ویژگی‌های افراد خردمند از نگاه امام‌علی(ع) هستیم.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

مفهوم خرد در جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دانشمندان در حوزه‌های گوناگون بدان اهتمام دارند. از سوی دیگر مطالعات روزافزون خرد در سال‌های اخیر و کم‌توجهی پژوهش‌گران به این مفهوم در منابع غنی اسلامی، اهمیت واکاوی ابعاد و ویژگی‌های آن را دوچندان نموده است، به طوری که مطالعه آن می‌تواند تأثیر بسزایی در روند شکل‌گیری افق‌های جدید در عرصه‌های گوناگون داشته باشد و الگوهایی را در راستای تکامل زندگی اجتماعی و فردی در ابعاد مادی و معنوی پیش‌روی انسان قرار دهد. در این بین بیانات حکمت‌آمیز امام‌علی(ع) که با عقل و اندیشه آدمی سروکار دارند و حقایق متعالی در رشته‌های گوناگون علمی و دینی را، با فصاحت و بلاغت تمام بیان می‌کند، می‌تواند منبعی ارزشمند باشد. لذا با توجه به جایگاه سخنان گهربار حضرت علی(ع) و با در نظر گرفتن هدف تحقیق حاضر، نهج‌البلاغه به عنوان منبع اصلی پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا یکی از موضوعات حائز اهمیت نهج‌البلاغه به عنوان تفسیری از دین اسلام و قرآن کریم، بعد خرد و خردورزی است. لذا در این تحقیق با محوریت کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه و بیانات ایشان، به تبیین خرد و ویژگی‌های افراد خردمند پرداخته‌ایم.

۲. بحث

۲-۱. خرد

در چند دهه اخیر موضوع خرد و خردمندی از فلسفه و متون مذهبی به روان‌شناسی و پژوهش‌های تجربی روان‌شناختی راه یافته است. در متون مذهبی، خردمندی به طور ویژه‌ای با مجموعه‌ای از ارزش‌های متعالی مرتبط بوده است. در نوشته‌های افلاطون نیز از خردمندی به عنوان یکی از عظیم‌ترین دستاورد

انسانی یاد شده است. اما در روان‌شناسی، خرد از مفاهیم مهم ولی بحث‌برانگیز بوده که نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران را به تلاش برای توافقی مشترک در تعریف آن ترغیب کرده است (اسعدی، ۱۳۹۴: ۵۲). از این رو یکی از موضوعات مهم در حوزه علوم رفتاری، خرد می‌باشد که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب نموده است (کردنوقایی، نبی‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۶؛ بالتز، اسمیت، ۲۰۰۸: ۵۶).

در طول سه دهه گذشته، محققان فعال در حوزه روان‌شناسی و رشد تلاش کرده‌اند تا یک تعریف جامع و یکسان از خرد ارائه نمایند (آردلت، ۲۰۱۱: ۲۴۲-۲۴۱). اما وجود دیدگاه و تعاریف متعدد در زمینه خرد، مانع از آن شده است که یک تعریف روان‌شناختی جامع، عملیاتی و یکسانی از آن حاصل شود (کانزمن، بالتز، ۲۰۰۳: ۱۱۰۴). با این حال پژوهش‌گرانی که در این حوزه به تحقیق و مطالعه پرداخته‌اند، در این موضوع اتفاق نظر دارند که خرد دربرگیرنده دانش، تفکر، بینش، تأمل، بازنگری و توجه نمودن همزمان به دیدگاه‌های خود و دیگران است (آردلت، ۲۰۱۱: ۲۴۲-۲۴۱). اما برخی دیگر از پژوهش‌گران فعال در این حوزه بر این باور هستند که خرد از گسترش دیدگاه و نگرش نیز ناشی می‌شود که این امر می‌تواند از طریق، الف) تجربه مستقیم؛ ب) تعامل با دنیای ماشینی؛ ج) گفتگو با دیگران که پیشینه و تجربیات زندگی مختلفی دارند، اتفاق بیفتد (جیفا^۴، ۲۰۱۳: ۷۱۵؛ استودینجر، گلوک^۵، ۲۰۱۱: ۲۱۸؛ استودینجر، بالتز، ۱۹۹۶: ۷۴۸). با این حال استرنبرگ^۶ (۱۹۹۸: ۳۵۳-۳۴۷) خرد را کاربست هوش عملی و دانش ضمنی موجود در این هوش می‌داند. در علم روان‌شناسی نیز خرد را به عنوان یک ویژگی شخصیتی و توانایی شناختی در نظر می‌گیرند که باعث می‌شود فرد با جدیت بالا به سمت هدف رفته و میزان ناامیدی و نارضایتی خود را در زندگی کاهش دهد (کرامر^۷، ۲۰۰۰: ۸۳؛ بالتز، استودینجر، ۲۰۰۰: ۱۲۳-۱۲۲).

تعاریف ارائه شده در علم روان‌شناسی در باب خرد این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا خصوصیات شخصیتی (کانلی^۸، ۱۹۸۴: ۱۱؛ رابرتز^۹ و همکاران، ۲۰۰۶: ۷-۱) می‌توانند ارتقاء و بهبود یابند. با بررسی و مطالعه تحقیقات انجام شده در حوزه روان‌شناسی می‌توان به جواب این سوال دست یافت که برخی ویژگی‌های شخصیتی با مداخلات هدفمند قابل‌تغییر هستند (برویا^{۱۰} و آردلت، ۲۰۱۸: ۱۰۶). از این رو در سال‌های اخیر آموزش خرد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (دمیچلیس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۵: ۵۵۱؛ استرنبرگ، ۲۰۰۴: ۱۶۴).

1. Baltes, Smith
2. Ardelt
3. Kunzmann
4. Jifa
5. Staudinger, Gluck
6. Sternberg
7. Kramer
8. Conley
9. Roberts
10. Bruya
11. De Michelis

به‌طور کلی خرد باید در عمل فرد دیده شود تا آثار مثبت برای خود فرد و دیگران به بار آورد. کسی که فقط ایده‌های خردمندانه دارد اما در رفتارهایش چیزی از آن دیده نمی‌شود، خردمند نیست. خرد یکپارچگی در فکر و عمل است. خردمند سعی می‌کند آن‌چه از نظر او درست است در زندگی واقعی به کار بندد. بنابراین زندگی خردمندان نمادی از شیوه تفکر آن‌ها است. از طرفی به دلیل این که شرط اساسی برای خردمندی ظاهر شدن آن در بافت زندگی واقعی فرد است، ممکن است رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف از درجه خردمندی با یکدیگر متفاوت باشد. وقتی فکری به عمل درمی‌آید اصلاح می‌شود، تغییر می‌کند و با واقعیت هماهنگی بیشتری می‌یابد. این فرآیندی است که برای به کمال رسیدن یک ایده ضروری است. بنابراین فرد ممکن است در یک بافت از زندگی که تجربه بیشتری در آن دارد خردمندانه عمل کند، اما همین فرد در موقعیتی متفاوت، به دلیل کمبود تجربه و با وجود داشتن افکار و نیات خردمندانه، به همان اندازه شرایط قبلی خردمندانه عمل نکند (کردنوقایی، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۹).

۲-۲. ابعاد و مؤلفه‌های خرد

با مطالعه و بررسی نتایج پژوهش‌های انجام شد در زمینه خرد، می‌توان به تقسیم‌بندی‌های متعددی در زمینه ابعاد و مؤلفه‌های خرد دست یافت. به عنوان مثال می‌توان به دسته‌بندی‌های: ۱. بعد شناختی؛ ۲. تأملی؛ ۳. عاطفی (آردلت، ۲۰۰۳: ۲۷۵)؛ ۱. بعد انسجام شناختی ۲. تأثیر گذاشتن مثبت بر خود و دیگران ۳. تجسم نمودن خرد در عمل (یانگ^۱، ۲۰۱۳: ۱۹۵؛ یانگ، ۲۰۱۴: ۱۳۰)؛ ۱. دانش ۲. بصیرت ۳. سبک تفکر قضاوت‌گرا ۴. تحمل ابهام ۵. درک محدودیت‌ها ۶. فرصت‌های عملی ممکن در یک محیط خاص (سپهریان آذر، ستاری، ۱۳۹۵: ۹۷) اشاره نمود. با این حال شاید بتوان گفت وبستر یکی از جامع‌ترین بیان‌ها را در باب مؤلفه‌های خرد دارد که از این قرار است:

۱. شوخ طبعی: شوخ طبعی را می‌توان یک پادزهر عاطفی برای مقابله با پریشانی‌های ذهنی که اغلب از حوادث مهم زندگی نشأت می‌گیرد دانست که شامل این موارد است: شناخت طنز، کاهش استرس در خود و دیگران، ایجاد پیوندهای اجتماعی، ایجاد فضای شوخ طبعی برای مقابله با تجربیات منفی زندگی و داشتن توانایی ایجاد احساس خوب در دیگران.

۲. تجارب بحرانی زندگی: این مؤلفه در برگیرنده تجربه‌های غنی و متغیر در بافت‌های فردی و میان فردی، سازگاری با تغییرات مهم زندگی، مواجهه شدن با ناملایمات زندگی و عدم ناامید شدن در برخورد با مشکلات می‌باشد.

۳. تنظیم هیجان: این مورد به تنظیم مناسب طیف وسیعی از هیجان‌های انسان و به کار بردن هیجان و احساسات به شکلی سازنده و داشتن توانایی تمایز بین هیجان‌ها اشاره می‌نماید.

۴. مرور گذشته و تأمل درباره زندگی (یادآوری): این مؤلفه شامل درک و کسب بینش درباره اشتباهات و موفقیت‌های تاریخچه زندگی برای استفاده و مقابله با موضوعات مشابه در آینده، داشتن نگاهی متعادل نسبت به زندگی، ارتباط دادن گذشته به حال و به دست آوردن چشم‌انداز و داشتن نگاه تأملی است.

۵. گشودگی: این مورد به داشتن گشودگی به ایده‌ها، ارزش‌ها و تجارب اشاره می‌نماید (وبستر، ۲۰۰۳: ۱۵-۱۴؛ وبستر، ۲۰۰۷: ۱۶۸-۱۶۶).

همچنین اکبری، هاشمی، خبازی‌کناری (۱۳۹۵: ۲۲-۲۱) دیدگاهی از پژوهش‌گران فعال در حوزه خرد ارائه نموده‌اند که مشتمل بر هفت بعد است که عبارت‌اند از:

۱. بعد عملی: شامل توانایی فرد در استدلال دقیق است که به سبک تصمیم‌گیری افراد نیز مربوط می‌شود.

۲. بعد تأملی: بیانگر توانایی فرد در تفکر درباره گذشته و زندگی کنونی به شکلی خوشایند است.

۳. بعد گشودگی: این بعد در باب گشودگی به خلاقیت، تخیل و کنجکاوای ذهنی فرد است.

۴. بعد استعداد تعاملی: بیانگر توانایی فرد در تنظیم هیجانات خود و چگونگی ابراز آن‌ها و درک هیجانات و رفتارهای دیگران است.

۵. بعد رواداری تناقضی: این بعد به توانایی فرد در تحمل عدم قطعیت و ابهام اشاره می‌نماید.

۶. بعد حساسیت اخلاقی: بیانگر اخلاقیات فرد و قضاوت‌های اخلاقی است.

۷. بعد تجربه: این بعد نیز ناظر بر تجربه افراد با شرایط چالش‌برانگیز زندگی است.

۲-۳. ویژگی‌های افراد خردمند

یکی از سؤالات همیشگی پیرامون خرد این بوده است که افراد خردمند چه ویژگی‌هایی دارند؟ و چگونه فکر، احساس، رفتار و عمل می‌کنند؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها پژوهش‌گران متعددی در سرتاسر جهان دست به تحقیق زده‌اند و ویژگی‌های متعددی را برای افراد خردمند بیان نموده‌اند. در همین راستا کردنوقایی هشت ویژگی برای افراد خردمند نام برده است که از این قرار می‌باشد:

۱. توانمندی شناختی: این ویژگی شامل توانایی درک دنیا، تمایل به دانستن حقیقت، فهم معنای اصلی و عمیق پدیده‌ها و رویدادها به ویژه در یک نگاه درون فردی و بین فردی است.

۲. جستجو برای بینش بیشتر: در این ویژگی افراد خردمند مشتاق هستند که مسائل پیچیده را بفهمند و آن‌ها را به شکل عمیق‌تر درک کنند. همچنین با موضوعات به شکل سطحی برخورد نکنند و معناهای پنهان پدیده‌ها را درک کنند.

۳. تأمل و بازنگری: این ویژگی شامل، تفکر قبل از حرف و عمل، توانایی و اشتیاق برای دیدن پدیده‌ها و رویدادها از چشم اندازه‌های متفاوت است.

۴. مراقبت و نگهداری از دیگران: در این ویژگی فرد تمایل به توجه، مراقبت، همدلی، دلسوزی و شفقت نسبت به دیگران دارد.

۵. مهارت حل مسأله در زندگی واقعی: این مورد به این موضوع اشاره می‌کند که فرد خردمند خود را در متن زندگی قرار می‌دهد و توانمندی‌هایش را برای حل مشکلات خود و دیگران به کار می‌برد.

۶. از خود فراروی: از خود فراروی به معنای عبور از خود و پیوند با یک کل بزرگ‌تر و برخورداری از حسی قوی از پیوند با نسل‌های گذشته و آینده است.

۷. تحمل ابهام: این مورد بیانگر این موضوع است که افراد خردمند از تصمیم‌گیری‌های عجولانه که بیشتر برای رهایی از شرایط دشوار بی‌تصمیمی است، پرهیز می‌کنند.

۸. گشودگی به تجربه: این ویژگی بیان می‌کند که افراد خردمند با رویکرد باز و انعطاف‌پذیر با تجربه‌های جدید روبه‌رو می‌شوند (کردنوقابی، ۱۳۹۶: ۵۱-۲۹).

اسعدی نیز ده ویژگی برای افراد خردمند بیان نموده است که شامل: همه‌جانبه‌نگری، با ایمان بودن، متفکر و منطقی، صبور و با گذشت، صاحب علم و دانش، مهربان، اهل احترام به خود و دیگران، عاقل، آینده‌نگر و با هوش می‌باشند (اسعدی، ۱۳۹۴: ۵۱).

۲-۴. خرد از منظر نهج‌البلاغه

در بیان اهمیت خرد و خردورزی در اسلام همین کافی است که به گفته علامه طباطبایی، تنها در قرآن کریم بیش از سیصد آیه وجود دارد که انسان‌ها را به تفکر و تأمل در آیات تشریحی و تکوینی دعوت می‌کند و بر اندیشه در نشانه‌های انفسی و آفاقی خداوند تأکید می‌کند (بدیعان گورتی، میرشاه جعفری، لیاقتداری، ۱۳۸۸: ۱۱)؛ حتی از منظر قرآن کریم خرد یکی از عوامل مهم درک حقایق و هدایت انسان می‌باشد: ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/۲۶۹)؛ خدا دانش و حکمت را به هر کس بخواهد و شایسته بداند می‌دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان این حقایق را درک نمی‌کنند و متذکر نمی‌گردند: ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (الزمر/۱۸)؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آن‌ها همان خردمندانند.

اشاره به آیات و روایات گسترده در زمینه توصیف خرد، نشانگر این موضوع است که دین اسلام جایگاه ویژه‌ای برای خرد قائل است و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار الگوی روشنی از محقق شدن خردورزی در گستره عمل است. بدون شک کتاب بارزش نهج‌البلاغه یکی از منابع مهم در همین راستا است. بحث‌های بسیار زیادی در نهج‌البلاغه وجود دارد که از منظر محتوایی و معنایی با خرد و ویژگی‌های افراد خردمند سازگاری و همخوانی دارد. در واقع، یکی از مسائل مهمی که در نهج‌البلاغه مورد بحث و بیان قرار گرفته است خرد می‌باشد، به گونه‌ای که حضرت علی(ع) نگاهی دقیق و موشکافانه به مفهوم خرد و ویژگی‌های آن داشته است. ما نیز در این بین خواهیم کوشید تا با استخراج مفهوم خرد و ویژگی‌های افراد خردمند در بطن سخنان حضرت علی(ع)، درک بهتری از این مفهوم به دست آوریم. در همین راستا و ادامه پژوهش جدولی را ترسیم می‌کنیم که در آن به خطبه، نامه و حکمت‌هایی اشاره دارد که به بیان خرد و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. سپس با تحلیل سخنان امام علی(ع) ویژگی‌های افراد خردمند را استخراج و تحلیل می‌نماییم.

جدول ۱: جایگاه خرد در نهج البلاغه

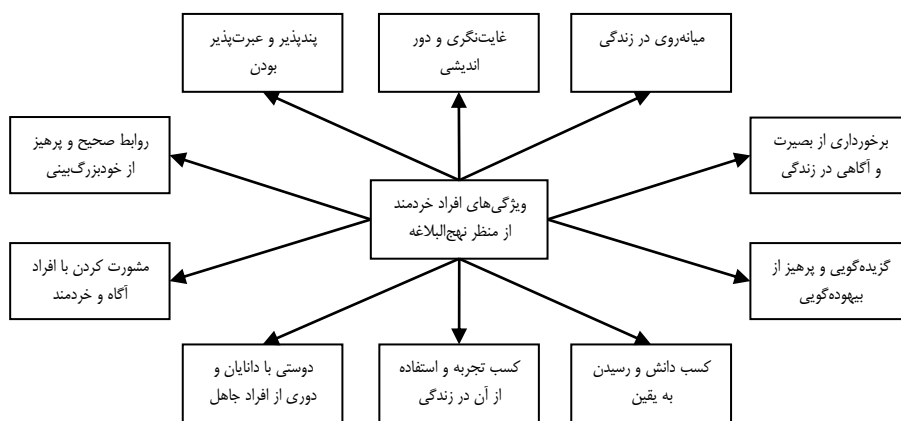
ردیف	توصیف، ویژگی، جایگاه	سخن امام	منبع/ارجاع
۱	توصیف خرد	دوستی کردن نیمی از خردمندی است	(حکمت/۱۴۲)
۲	ویژگی فرد خردمند	خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب روزی حلال برای تأمین زندگی، گام نهادن در راه آخرت و به دست آوردن لذت‌های حلال	(حکمت/۳۹۰)
۳	ویژگی فرد بی‌خرد	شتاب پیش از توانایی بر کار و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی-خردی است	(حکمت/۳۶۳)
۴	توصیف خرد/ویژگی فرد خردمند	خردمند آن است که هر چیزی را در جای خود می‌نهد	(حکمت/۲۳۵)
۵	ویژگی فرد بی‌خرد	خودپسندی یکی از حسودان عقل و خرد است	(حکمت/۲۱۲)
۶	توصیف خرد/ویژگی فرد خردمند	بردباری پرده‌ای است پوشاننده و خرد شمشیری است برآن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری ببوشان و هوای نفس خود را با شمشیر خرد بکش	(حکمت/۴۲۴)
۷	ویژگی فرد خردمند	و با شکیبایی در برابر بی‌خرد، یاران انسان زیاد گردند	(حکمت/۲۲۴)
۸	ویژگی فرد بی‌خرد	قربان‌گاه خرد و اندیشه‌ها، زیر برق آرزوهاست	(حکمت/۲۱۹)
۹	جایگاه و اهمیت خرد	فرستاده تو بیانگر میزان خرد تو و نامه تو گویاترین سخنگوی تو است	(حکمت/۳۰۱)
۱۰	جایگاه و اهمیت خرد	همانا ارزشمندترین بی‌نیازی خرد است و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است	(حکمت/۳۸)
۱۱	جایگاه و اهمیت خرد	سرمایه‌ای سودمندتر از عقل و خرد نیست	(حکمت/۱۱۳)
۱۲	جایگاه و اهمیت خرد	هیچ ثروتی چون عقل و خرد و هیچ فقری چون نادانی نیست	(حکمت/۵۴)
۱۳	ویژگی فرد بی‌خرد	هیچ کس شوخی بیجا نکند جز آن که مقداری از عقل و خرد خویش را از دست بدهد	(حکمت/۴۵۰)
۱۴	توصیف خرد/ویژگی فرد خردمند	چون عقل و خرد کامل گردد، سخن اندک شود	(حکمت/۷۱)
۱۵	توصیف خرد	عقل و خرد تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد	(حکمت/۴۲۱)
۱۶	توصیف خرد	خدا عقل را به انسانی نداد جز آن که روزی او را با کمک عقل نجات بخشید	(حکمت/۴۰۷)
۱۷	ویژگی فرد خردمند	اندیشیدن همانند دیدن نیست، زیرا گاهی چشم‌ها دروغ می‌نمایانند، اما آن کس که از عقل نصیحت خواهد به او خیانت نمی‌کند	(حکمت/۲۸۱)
۱۸	ویژگی فرد خردمند/ویژگی فرد بی‌خرد	زبان عاقل در پشت قلب اوست و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد	(حکمت/۴۰)
۱۹	ویژگی فرد بی‌خرد/ویژگی فرد خردمند	قلب احمق در دهان او و زبان خردمند در قلب او قرار دارد	(حکمت/۴۱)
۲۰	توصیف خرد	و خداوند ترک «میگساری» را برای سلامت عقل واجب نمود	(حکمت/۲۵۲)
۲۱	ویژگی فرد خردمند	پیروزی در دوراندیشی و دور اندیشی در به کار گیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به راز داری است	(حکمت/۴۸)
۲۲	توصیف خرد	اندیشه، آینه‌ای شفاف و عبرت از حوادث، بیم دهنده‌ای خیراندیش است	(حکمت/۳۶۵)
۲۳	توصیف خرد/ویژگی فرد بی‌خرد	بدان که خود بزرگ‌بینی و غرور، مخالف راستی و آفت خرد است	(نامه/۳۱)
۲۴	توصیف خرد/ویژگی فرد بی‌خرد/ویژگی فرد خردمند	هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقان است و حفظ خرد، پند گرفتن از تجربه‌هاست و بهترین تجربه آن است که تو را پند آموزد	(نامه/۳۱)
۲۵	ویژگی فرد بی‌خرد	همانا تیره روز کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خدا اصلاح کرده بر هم زند، بیزارم	(نامه/۷۸)
۲۶	ویژگی فرد بی‌خرد	بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل و خرد را غافل و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد	(خطبه/۸۶)
۲۷	ویژگی فرد بی‌خرد	کسی که از خرد خویش بهره‌مند نگردد، برای پند گرفتن از عقل و فکر دیگران عاجز است	(خطبه/۱۲۰)
۲۸	ویژگی فرد خردمند	خردمند با چشم دل سرانجام کار را می‌نگرد و پستی و بلندی آن را تشخیص می‌دهد	(خطبه/۱۵۴)

۲-۵. ویژگی‌های افراد خردمند از منظر نهج‌البلاغه

یکی از مباحثی که در دین اسلام بیان شده است، ویژگی‌های افراد خردمند است. به طور مثال قرآن کریم پرهیزکار بودن، داشتن زندگی پاک و عبرت گرفتن از گذشتگان را از ویژگی‌های افراد خردمند می‌داند؛ ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/۱۹۷)؛ و آن چه از کار خیر انجام دهید خدا می‌داند و به نفع خود توشه بگیرید که بهترین توشه، پرهیزکاری است و ای صاحبان خرد از من پروا کنید؛ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (یوسف/۱۱۱)؛ به‌راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است. قرآن سخنی نیست که به دروغ بافته شده باشد، بلکه تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است و بیان‌گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان دارند، سراسر هدایت و رحمت است.

اما سؤالی که در این بخش از پژوهش مطرح است این می‌باشد که آیا همانند قرآن کریم، ویژگی‌های فرد خردمند در نهج‌البلاغه نیز مورد بیان واقع شده است؟

با تأمل در نهج‌البلاغه می‌توان به این موضوع پی برد که این کتاب علاوه بر آن که به بیان اهمیت و جایگاه خرد در زندگی بشریت پرداخته است، ویژگی‌های فرد خردمند را نیز مورد بیان قرار داده. از این رو پس از تحلیل سخنان امام‌علی(ع)، ویژگی‌های افراد خردمند در قالب ده گزاره استخراج گردیده است که در مدل زیر به بیان آن می‌پردازیم.



مدل ۱: ویژگی‌های افراد خردمند از منظر نهج‌البلاغه

۲-۵-۱. پندپذیر و عبرت‌پذیر بودن

امام‌علی(ع) در(نامه/۳۱) یکی از ویژگی‌های فرد خردمند را پندپذیر بودن آن می‌داند، به طوری که خردمند با اندرز و آداب پند می‌پذیرد. از سوی دیگر یکی از عوامل حفظ عقل، پند گرفتن از تجربه‌هاست. امام علی(ع) در (خطبه/۱۲۰) و (خطبه/۱۰۳) می‌فرماید: کسی که از خرد خویش به‌رمند نگردد برای پند گرفتن

از عقل و فکر دیگران عاجز است و خداوند بیامزد کسی را که به درستی فکر کند، پند گیرد، آگاهی یابد و بینا شود.

از دیگر رهنمودهای امام علی (ع) درباره این ویژگی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا بیند و آن که حکمت را آشکارا ندید، عبرت‌آموزی را شناسد و آن که عبرت‌آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است (حکمت/۳۱).

آن که تو را هشدار می‌دهد چون کسی است که مژده می‌دهد (حکمت/۵۹).
کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد و آن که آگاهی یابد می‌فهمد و آن که بفهمد دانش‌آموخته است (حکمت/۲۰۸).

ای بندگان خدا از عبرت‌های سودمند پند پذیرید و از آیات روشن‌گر عبرت آموزید و از آن‌چه با بیان رسا شما را ترسانده‌اند، بهره‌ییزید و از یادآوری‌ها و اندرزها سود ببرید، آن چنان که گویا چنگال مرگ در پیکر شما فرو رفته و رشته آرزوها و دل‌بستگی‌ها قطع گردیده و سختی‌های مرگ و آغاز حرکت به سوی قیامت به شما هجوم آورده است (خطبه/۸۵).

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه انسان‌ها را به پند و عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه نمودن موقعیت خود با آن‌ها دعوت می‌کند و یادگیری حاصل از این توجه را از عوامل تأثیرگذار بر کردار و رفتار انسان‌ها می‌داند. یکی از ثمره‌های این درس‌آموزی این است که انسان خردمند به درجه‌ای از بصیرت می‌رسد که قادر است از ظواهر امور گذر کند و به باطن آنها بنگرد. به‌طور مثال انسان با مشاهده پیامدهای رفتار نامطلوب دیگران به این نتیجه می‌رسد که او نیز اگر مرتکب این عمل بشود، باید منتظر چنین پیامدهایی باشد. در واقع عبرت گرفتن باعث می‌شود از حوادث تاریخی و سرگذشت انسان‌ها بدون تحلیل محتوا عبور نکنیم و از آن‌ها در جهت اصلاح و رشد آینده خویش در زمینه‌های مختلف استفاده نماییم.

۲-۵-۲. غایت‌نگری و دوراندیشی

امام علی (ع) در مورد ویژگی غایت و دوراندیشی فرد خردمند در (خطبه/۱۵۴) می‌فرماید: عاقل و خردمند با چشم دل سرانجام کار را می‌نگرد و پستی و بلندی آن را تشخیص می‌دهد. پس آن که با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش آن است که بیندیشد: آیا عمل او به سود او است یا زیان او. اگر به سود است ادامه دهد و اگر زیانبار است توقف کند، زیرا عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود، پس هر چه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند. و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است، پس بیننده باید به درستی بنگرد آیا رونده راه مستقیم است یا واپس‌گرا. همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: پیروزی در دوراندیشی و دوراندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به راز داری است (حکمت/۴۸).

به‌طور مثال افراد ظاهربین که نگاهی سطحی‌نگر به رویدادها دارند، دچار یکنواختی در زندگی هستند و در برابر رویدادهای پیش‌بینی نشده به‌راحتی تسلیم و دست از کار برمی‌دارند و شکست می‌خورند، در حالی که افراد خردمند به هنگام تصمیم‌گیری برای انجام کاری، دربارهٔ عاقبت آن تأمل می‌کنند و دچار این نوع گرفتاری‌ها نمی‌شوند.

۲-۵-۳. روابط صحیح با هم‌نوعان و پرهیز از خودبزرگ‌بینی

امام‌علی(ع) خود بزرگ‌بینی و غرور را یکی از آفت‌های خرد و ایجاد ارتباط اجتماعی مناسب با دیگران را یکی از نشانه‌های خردمندی می‌داند. حضرت علی(ع) در بیان این ویژگی می‌فرماید: ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی. آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو. بدان که خود بزرگ‌بینی و غرور، مخالف راستی و آفت عقل است (نامه/۳۱).

به‌طور مثال اگر فردی که به دیگران توجه دارد و روابط صحیح برقرار می‌کند، اهل کسب و تجارت باشد مشتریان او فراوان می‌گردند و اگر مدیر تشکیلاتی باشد، افرادی که در زیرمجموعه او هستند به او عشق می‌ورزند و وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند و چنانچه پدر و بزرگ‌تر خانواده باشد اعضای خانواده به او علاقه‌مند می‌شوند و محیط خانواده محیطی مملو از محبت، آرامش و همکاری خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۹).

همچنین امام‌علی(ع) در مورد خودبزرگ‌بینی می‌فرماید: در شگفتم از متکبری که دیروز نطفه‌ای بی‌ارزش و فردا مرداری گندیده خواهد بود (حکمت/۱۲۶). تکبر که همان خودبزرگ‌بینی است نشانهٔ روشنی از غفلت به مبدأ و منتهای وجود انسان در این دنیا است و اگر انسان به مبدأ و منتهای خویش بنگرد این خودبزرگ‌بینی از او زایل می‌شود. امام‌علی(ع) در باب درمان خودبزرگ‌بینی نیز می‌فرماید: هرگاه حالت کبر و غرور به شما دست داد برای زایل کردن آن به گذشته و آینده خویش بنگرید (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۱). قرآن مجید نیز تکبر و خودبزرگ‌بینی را سرآغاز کفر و مجادله در آیات خداوند معرفی کرده و در همین راستا می‌فرماید: کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آن‌ها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر و غرور است و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید (غافر/۵۶).

امام‌صادق(ع) نیز در این زمینه می‌فرماید: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمارد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۳۸۰). لذا کسی که تنها به خود توجه دارد و به دیگران بی‌اعتنا است مورد بی‌توجهی و بی‌مهری دیگران قرار می‌گیرد و سر و کارش به انزوا و تنهایی کشیده می‌شود (کلینی، ۱۳۸۷: ۴۹).

۲-۵-۴. میانه‌روی در زندگی

میانه‌روی را می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز فرد خردمند دانست. اما باید به این نکته توجه شود که این خرد و عقل است که میانه‌روی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. لذا امام‌علی(ع) یکی از ویژگی‌های فرد خردمند را دوری وی از افراط و تفریط می‌داند و در باب این موضوع می‌فرماید: نادان را یا تندرو یا کندرو می‌بینی (حکمت/۷۰). همچنین امام‌علی(ع) در (خطبه/۲۲۲) آن کسی را که راه میانه در پیش می‌گرفت می‌ستودند و به رستگاری بشارت می‌دادند و روش آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می‌شد، زشت می‌شمردند و از نابودی هشدار می‌دادند.

در واقع راه صحیح به‌سوی مقصد راه مستقیم است که ما پیوسته در نمازها هر روز خدا را می‌خوانیم تا ما را بر آن راه ثابت بدارد. در اطراف راه مستقیم خطوط انحرافی فراوانی هست که پیدا کردن راه مستقیم از میان آن خطوط نیاز به دقت، علم و دانش دارد. به همین دلیل جاهل غالباً گرفتار خطوط انحرافی در جانب زیاده‌روی و یا کوتاهی و کندروی می‌گردد. این مسأله در تمام شئون زندگی اعم از فردی، اجتماعی، سیاسی و غیر آن دیده می‌شود. به‌طور مثال در مسائل بهداشتی فرد گاه چنان گرفتار افراط می‌شود که دست به سوی هیچ آب و غذایی نمی‌برد، به گمان این که همه آن‌ها آلوده است و در هیچ مهمانی شرکت نمی‌کند و گاه در جهت مخالف قرار می‌گیرد و فرقی میان آلوده و غیرآلوده، بیمار مسری و غیر بیمار نمی‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۲۰-۴۱۹).

۲-۵-۵. برخورداری از بصیرت و آگاهی در زندگی

با تأمل در نهج‌البلاغه می‌توان به این موضوع پی‌برد که داشتن بصیرت و آگاه بودن در زندگی یکی دیگر از ویژگی‌های فرد خردمند است. فرد خردمند بصیرت را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد و تلاش می‌کند که از تجارب دنیا به‌رمند شود و درباره هر آن‌چه که می‌شنود و می‌بیند، بیندیشد تا نسبت به آن آگاه شود، تا در گمراهی غرق نشود. امام‌علی(ع) در (خطبه/۱۵۳) و در توصیف فرد با بصیرت می‌فرماید: هر کس باید از کار خویش بهره‌گیرد و انسان بینا کسی است که به‌درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره راه‌ها، دوری کرد و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سخت‌گیری کند، یا در سخن حق تحریف روا دارد، یا در گفتن سخن راست بترسد.

بصیرت در زندگی انسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که خدای متعال آن را عامل دستیابی به توحید و قدرت الهی می‌داند. از این‌رو سیره عملی پیامبر اکرم و ائمه اطهار در تمامی امور بر مدار بصیرت بوده است، یعنی در همه مسائل با بینش، دانایی، عاقبت‌اندیشی و آگاهی، عمل می‌کردند و بدون بررسی تمام جوانب وارد کاری نمی‌شدند. لذا امام‌علی(ع) در نهج‌البلاغه با الهام گرفتن از قرآن کریم، پیروان خود را به کسب بصیرت در زندگی دعوت می‌نمودند و آن را یکی از نیازهای بشری می‌دانستند که باعث تسهیل در دستیابی به خرد می‌شود.

۲-۵-۶. گزیده‌گویی و پرهیز از بیهوده‌گویی

هیچ عضوی از اعضای انسان به اندازه زبان بی‌قیدوبند و خطرناک نیست. به‌طور مثال یک جمله، آتش جنگی را می‌افروزد و سبب ریختن خون‌ها و از بین رفتن آرامش و امنیت جامعه می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۷۱). لذا سخن گفتن بیهوده که نه فایده دنیوی دارد نه سود اخروی یکی از عواملی است که فرد را در مسیر بی‌خردی قرار می‌دهد. امام‌علی(ع) نیز یکی از عوامل کامل شدن خرد در انسان را کم‌گویی عنوان می‌کند و در (حکمت/۷۱) به زیبایی تمام می‌فرماید: چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود.

از دیگر رهنمودهای امام‌علی(ع) درباره این ویژگی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

زبان خردمند در پشت قلب اوست و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد (حکمت/۴۰).

قلب احمق در دهان او و زبان عاقل در قلب او قرار دارد (حکمت/۴۱).

زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهاش کنی، می‌گزد (حکمت/۶۰).

از این‌رو افراد عاقل بی‌مطالعه، فکر و دقت سخن نمی‌گویند؛ حسن و قبح، سود و زیان، مناسبت و عدم مناسبتِ گفتار خود را به دقت بررسی می‌کنند و سپس آن را بر زبان جاری می‌کنند، درحالی‌که افراد نادان برعکس آن هستند؛ سخنی را بی‌مطالعه می‌گویند و بعد که به آثار زیانبارش برخورد کردند در فکر فرو می‌روند که آیا صلاح بود ما چنین سخنی را بگوییم؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۷۳).

در همین راستا پیامبر اکرم(ص) به امام‌علی(ع) فرمودند: حفظ زبان یکی از هفت چیزی است که حقیقت ایمان را نشان می‌دهد و باعث می‌شود درهای بهشت بر روی فرد گشوده شود (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳۲۴). لذا سخنی که رفع حاجت نماید کفایت می‌کند (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۶۱).

۲-۵-۷. کسب دانش و رسیدن به یقین

علم، دانش و حکمت گمشده مؤمن است، بنابراین حکمت را بگیر، هرچند از اهل نفاق باشد (حکمت/۸۰). روشن است هرگاه انسان گمشده پرارزشی داشته باشد دائماً به دنبال آن می‌گردد و آن را نزد هر کس ببیند از او می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۸۱). این سخن در واقع نشان می‌دهد که افراد خردمند در جستجوی دانش و رسیدن به یقین هستند و اشتیاق فراوانی برای کسب دانش دارند و از این دانش‌اندوزی و یقین لذت می‌برند. واضح هست که با افزایش میزان دانش و یقین در فرد، خرد نیز حالت ارتقاء پیدا می‌کند. امام‌علی(ع) در توصیف این ویژگی که آمیخته با یقین است در (حکمت/۳۱) می‌فرماید: یقین بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پندگرفتن از حوادث روزگار و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا ببیند و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت‌آموزی را شناسد و آن که عبرت‌آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است و کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید.

به‌طور مثال انسان دارای یقین درباره‌ی خداشناسی نخست باید چشم باز کند و به‌خوبی آثار پروردگار را در جهان هستی ببیند و سپس با اندیشه عمیق رابطه آن را با مبدأ آفرینش قادر و حکیم درک کند، آن‌گاه

از حوادث تاریخ عبرت بگیرد و خدا را از لابه‌لای آن بشناسد و سپس از آن چه از پیشینیان صالح و عالم به دست آمده مرور کند و علوم آن‌ها را به علم خود بیفزاید تا یک خدانشناس کامل گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹۸-۱۹۷).

۲-۵-۸. کسب تجربه و استفاده از آن در زندگی

خردمندان علاقه دارند که با تجربه‌ها جدید رو به رو شوند و با کسب تجربه بیاموزند. یک محیط جدید، یک رشته تحصیلی جدید، تجربه احساسات و هیجانات جدید، افکار جدید و در نهایت دوستی با افراد جدید (کردنوقایی، ۱۳۹۶: ۵۱-۵۰). افراد خردمند علاوه بر این که در پی تجربیات جدید می‌باشند به تجربه‌های دیگران نیز توجه می‌کنند و تلاش می‌نمایند که از آن‌ها در زندگی برای رسیدن به رشد و شکوفایی استفاده کنند. امام‌علی(ع) در (نامه/۳۱) در این باره می‌فرماید: هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقان است و حفظ عقل و خرد، پند گرفتن از تجربه‌هاست و بهترین تجربه آن است که تو را پند آموزد. همچنین امام‌علی(ع) در (حکمت/۸۶) در وصف اهمیت و اولویت داشتن فکر و تجربه بر قدرت می‌فرماید: اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است. از سوی دیگر امام‌علی(ع) در وصف فرد تیره روز و اهمیت تجربه در (نامه/۷۸) بیان می‌دارد: تیره روز کسی است که از عقل و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند.

این ویژگی خرد را می‌توان همسو با بعد تجربه و گشودگی از دیدگاه وبستر دانست که در بخش ابعاد و مؤلفه‌های خرد به آن اشاره نموده‌ایم. در واقع امام‌علی(ع) حقیقت خرد را در کسب تجربه و حفظ آن می‌دانست و معتقد بودند که انسان در این مسیر است که با دشواری‌های زندگی مواجه می‌شود و با غلبه بر آن این امکان را برای خود به وجود می‌آورد که جنبه‌های گوناگون زندگی را مورد مشاهده و ارزیابی قرار دهد. همچنین امام‌علی(ع) بعد دیگری از این ویژگی را مورد بیان قرار دادند و آن استفاده کردن از تجربه-های دیگران است، به طوری که انسان خردمند به جای آنکه همه چیز را خود تجربه نماید و با مشکلات آن مواجه شود، از تجربه‌های دیگران استفاده می‌کند و از آنچه آن‌ها مورد آزمون و خطا قرار داده‌اند، نتیجه‌گیری‌های روشن و منطقی به عمل می‌آورد.

۲-۵-۹. دوستی با دانایان و دوری از افراد جاهل

شک نیست که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان در زندگی دوستان صمیمی است. این سرمایه نه تنها برای یاری کردن انسان در برابر مشکلات، بلکه برای انس گرفتن و از تجربه‌ها و نظرات آن‌ها بهره‌گیری کردن ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۹۵). در همین راستا پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۲۸). با تأمل در نهج‌البلاغه می‌توان به این موضوع پی‌برد که امام‌علی(ع) دوستی با دانایان و دوری از افراد جاهل را یکی از نشانه‌های فرد خردمند می‌داند و در این باره سخنان گهربار بسیاری گفته‌اند که در سطوح زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌نماییم.

دوستی کردن نیمی از خردمندی است (حکمت/۱۴۲).
 بریدن از جاهل و نادان، پیوستن به عاقل و خردمند است (نامه/۳۱).
 ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان می‌باشد و از او ناتوان‌تر کسی است که دوستان خود را از دست بدهد (حکمت/۱۲).

در واقع امام‌علی(ع) زندگی اجتماعی را جزء جدایی‌ناپذیر هستی انسان می‌دانستند و معتقد بودند که حیات در این دنیا نیاز به معاشرت دارد که مصداق بارز آن دوستی با هم‌نوعان است. حال اگر این دوستی با دیگران بر پایه ارزش‌های انسانی نباشد، نمی‌تواند ترقی و تعالی انسان را به همراه داشته باشد و منجر به سقوط و فساد او می‌شود. اما بعد مثبت این ویژگی دوستی با دانایان است که آثار ارزشمندی بر زندگی اجتماعی و فردی انسان به جای می‌گذارد و باعث افزایش خرد و دانش فرد می‌شود. از این‌رو امام‌علی(ع) هم‌نشینی با دانایان و دوری از افراد جاهل را لازم می‌دانستند و آن را یکی از ویژگی‌های انسان خردمند در نظر می‌گرفتند که پیشرفت و ترقی در زندگی معنوی و مادی را برای او به ارمغان می‌آورد.

۲-۵-۱۰. مشورت با افراد آگاه و خردمند

امام‌علی(ع) یکی از عوامل به هلاکت رسیدن انسان در زندگی را خود رأی بودن می‌داند و در (حکمت/۱۶۱) می‌فرماید: هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد. از این‌رو می‌توان یکی از ویژگی‌های افراد خردمند از منظر نهج‌البلاغه را مشورت کردن با افراد آگاه و باخرد دانست. از رهنمودهای امام‌علی(ع) درباره این ویژگی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد (حکمت/۱۷۳).

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست (حکمت/۱۱۳).

هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست (حکمت/۵۴).

مشورت چشم هدایت است و آن کس که با رأی خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد (حکمت/۲۱۱).

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل، ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آن‌ها بدگمانی به خدای متعال است (نامه/۵۳).

جدول ۲: ویژگی افراد خردمند

ردیف	ویژگی	منبع/ارجاع
۱	پندپذیر و عبرت‌پذیر بودن انسان‌های خردمند	(نامه/۳۱)، (حکمت/۵۹)، (خطبه/۱۰۳)، (حکمت/۳۱)، (خطبه/۱۲۰)
۲	غایت و دوراندیشی	(خطبه/۱۵۴)
۳	روابط صحیح با هم‌نوعان و پرهیز از خودبزرگ‌بینی	(نامه/۳۱)
۴	میان‌روی در زندگی	(حکمت/۷۰)، (خطبه/۲۲۲)
۵	برخورداری از بصیرت و آگاهی در زندگی	(خطبه/۱۵۳)
۶	گزیده‌گویی و پرهیز از بی‌پهلو‌گویی	(حکمت/۴۱)، (حکمت/۴۰)، (حکمت/۶۰)، (حکمت/۷۱)
۷	کسب دانش و رسیدن به یقین	(حکمت/۳۱)
۸	کسب تجربه و استفاده از آن در زندگی	(نامه/۳۱)، (نامه/۷۸)، (حکمت/۸۶)
۹	دوستی با دانایان و دوری از افراد جاهل	(حکمت/۱۲)، (نامه/۳۱)، (حکمت/۱۴۲)
۱۰	مشورت کردن با افراد آگاه و خردمند	(حکمت/۱۶۱)، (حکمت/۱۷۳)، (حکمت/۱۱۳)، (حکمت/۵۴)، (حکمت/۲۱۱)، (نامه/۵۳)
۱۱	تلاش برای بدست آوردن روزی حلال	(حکمت/۳۹۰)
۱۲	گام نهادن در راهی که آخرت را می‌بیند و کسب لذت‌های حلال در زندگی	(حکمت/۳۹۰)
۱۳	اندیشیدن درباره امور مختلف و بررسی جایگاه مناسب هر حرف و عمل	(حکمت/۴۸)، (حکمت/۲۳۵)
۱۴	بردار بودن در زندگی	(حکمت/۴۲۴)
۱۵	غرق نشدن در آرزوها	(خطبه/۸۶)، (نامه/۳۱)، (حکمت/۲۱۹)
۱۶	مبارزه کردن با هوای نفس	(حکمت/۴۲۴)، (خطبه/۱۰۹)
۱۷	پرهیز کردن از شوخی‌های بی‌مورد	(حکمت/۴۵۰)
۱۸	تلاش و کوشش کردن در امور مختلف	(نامه/۳۱)
۱۹	مغرور نبودن و دوری از خودپسندی	(نامه/۳۱)، (حکمت/۲۱۲)
۲۰	صبر و شکیبایی در امور مختلف	(حکمت/۲۲۴)

به‌طور کلی واکاوی مفهوم خرد و ویژگی‌های افراد خردمند از منظر نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که سخنان امام‌علی(ع) نه تنها همسو با آموزه‌های دین اسلام است، بلکه با الگوهای نظری شناخته شده در حوزه خرد نیز مطابقت دارد. از مهم‌ترین این الگوها می‌توان به مدل سه بعدی آردلت(شناختی، تأملی، عاطفی) و مدل خرد وبستر (شوخ طبعی، تجربه، تنظیم هیجان، گشودگی، مرور گذشته و تأمل درباره زندگی) اشاره نمود. در همین راستا می‌توان گفت که ویژگی کسب تجربه، دانش و رسیدن به یقین با بعد شناختی، گشودگی و تجربه؛ ویژگی روابط صحیح با هم‌نوعان و دوستی با بعد عاطفی، تنظیم هیجان و شوخ‌طبعی؛ ویژگی میان‌روی در زندگی و مشورت کردن با بعد تأملی و گشودگی؛ ویژگی غایت، دوراندیشی و برخورداری از بصیرت با بعد تأملی و شناختی و همچنین ویژگی عبرت و پندپذیربودن با بعد مرور گذشته و تأمل درباره زندگی همسو است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعهٔ اجمالی گفتار امام‌علی(ع) در نهج‌البلاغه درباره خرد و نشانه‌های خردمندی نتایج ذیل حاصل شد:

۱. مقولهٔ خرد در نهج‌البلاغه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در کلام امام‌علی(ع) به‌صورت قابل‌توجهی مورد اشاره واقع شده است.

۲. سخنان امام‌علی(ع) در زمینه خرد و ویژگی‌های افراد خردمند نه تنها مطابق با آموزه‌های دین اسلام و همچنین کتاب آسمانی قرآن است، بلکه به‌طور کلی با قواعد و ضوابط موجود در خرد نیز منطبق می‌باشد.

۳. براساس سخنان امام‌علی(ع) می‌توان گزاره‌های (پندپذیر و عبرت‌پذیر بودن، غایت‌نگری و دوراندیشی، روابط صحیح با هم‌نوعان و پرهیز از خودبزرگ‌بینی، میانه‌روی در زندگی، برخورداری از بصیرت و آگاهی در زندگی، گزیده‌گویی و پرهیز از بی‌هوده‌گویی، کسب دانش و رسیدن به یقین، کسب تجربه و استفاده از آن در زندگی، دوستی با دانایان و دوری از افراد جاهل و مشورت کردن با افراد آگاه و باخرد) را از ویژگی‌های فرد خردمند دانست.

۴. براساس آنچه در کتاب شریف نهج‌البلاغه آمده است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که نه تنها هیچ تضادی بین انجام دادن وظایف دینی با خردورزی در زندگی وجود ندارد، بلکه انجام دادن امور به‌طور خردمندانه، انسان را در رسیدن به کمال و سعادت یاری می‌کند.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۴). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.
- اسعدی، سمانه. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت گروه‌های سنی و جنسیتی». پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت. سال ۱، شماره ۱، ۶۶-۵۱.
- اکبری، عباس؛ هاشمی، سهیلا و خبازی‌کناری، مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس خردمندی». پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت. سال ۲، شماره ۲، ۳۴-۱۹.
- الهی، فاطمه؛ مهدوی‌نژاد، حسین و دلشادتهرانی، مصطفی. (۱۳۹۴). «جایگاه عقل در معرفت دینی از دیدگاه امام‌علی(ع)». پژوهش‌نامه علوی. سال ۶، شماره ۲، ۲۷-۱.
- بدیعیان گورتی، راضیه؛ میرشاه جعفری، ابراهیم و لیاقتداری، محمدجواد. (۱۳۸۸). «خردورزی و شیوه‌های خردپرووری در سیره امام حسین(ع) با تأکید بر واقعه عاشورا». تربیت اسلامی. سال ۴، شماره ۹، ۲۳-۹.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص) با ترجمه فارسی بانضمام فهرست موضوعی. تهران: دنیای دانش.
- حراملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل‌البت (ع) لاحیاء التراث.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشاراتی حضور.
- سپهریان آذر، فیروزه و ستاری، راحله. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه کانونی ابعاد خرد و سبک‌های هویتی». اندیشه‌های نوین تربیتی. سال ۱۲، شماره ۲، ۱۱۴-۹۵.
- سیاوشی، کرم و فاضلیان، سیدجواد. (۱۳۹۴). «دعوت به تعقل و نشانه‌های عقل‌گرایی در نهج‌البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه. سال ۳، شماره ۱۲، ۸۹-۷۱.
- شهیدی، جعفر. (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۲۵ق). مکارم الأخلاق. قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی و چینی‌فروشان، طاهره. (۱۳۹۰). «تقابل عقل و هوا در کلام امام‌علی(ع)». پژوهش‌نامه علوی. سال ۲، شماره ۲، ۱۰۴-۹۱.
- قاسمی حامد، مرتضی و معارف، مجید. (۱۳۹۸). «آثار به‌کارگیری عقل در نهج‌البلاغه». پژوهش‌نامه علوی. سال ۱۰، شماره ۱، ۴۹-۲۱.
- کردنوقایی، رسول. (۱۳۹۶). روانشناسی خرد. تهران: انتشارات ارجمند.
- کردنوقایی، رسول و نبی‌زاده، صفدر. (۱۳۹۶). «تبیین خرد براساس هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی». پژوهش‌های روانشناختی. سال ۲۰، شماره ۱، ۹۰-۷۶.
- کردنوقایی، رسول؛ نبی‌زاده، صفدر و حدادی، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی». مجله روان‌شناسی و دین. سال ۱۰، شماره ۱، ۱۵۸-۱۳۷.
- کریمی، محمد؛ دل‌افکار، علیرضا و جعفری، رضا. (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم براساس نظام حق و تکلیف در نهج‌البلاغه». پژوهشنامه نهج‌البلاغه. سال ۵، شماره ۱۷، ۹۳-۷۵.

- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۷). **اصول کافی**. ترجمه و شرح: سید مهدی آیت‌اللهی. تهران: جهان‌آرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). **پیام امام امیرالمؤمنین(ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه**. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب(ع).
- Ardelt, M. (2003). "Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale". **Research on Aging**, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2011). "The Measurement of Wisdom: A Commentary on Taylor, Bates, and Webster's Comparison of the SAWS and 3D-WS". **Experimental Aging Research**, 37(2), 241-255.
- Baltes, P. B., Smith, J. (2008). "The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function". **Perspectives on Psychological Science**, 3(1), 56-64.
- Baltes, P. B., Staudinger, U. M. (2000). "Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence". **American Psychologist**, 55(1), 122-136.
- Bruya, B., Ardelt, M. (2018). "Wisdom can be taught: A proof-of-concept study for fostering wisdom in the classroom". **Learning and Instruction**, 58, 106-114.
- Conley, J. J. (1984). "The hierarchy of consistency: A review and model of longitudinal findings on adult individual differences in intelligence, personality and self-opinion". **Personality and Individual Differences**, 5(1), 11-25.
- De Michelis, C., Ferrari, M., Rozin, T., Stern, B. (2015). "Teaching for wisdom in an intergenerational high-school-English class". **Educational Gerontology**, 41(8), 551-566.
- Jifa, G. (2013). "Data, Information, Knowledge, Wisdom and Meta-Synthesis of Wisdom-Comment on Wisdom Global and Wisdom Cities". **Procedia Computer Science**, 17, 713-719.
- Kramer, D. A. (2000). "Wisdom as a Classical Source of Human Strength: Conceptualization and Empirical Inquiry". **Journal of Social and Clinical Psychology**, 19(1), 83-101.
- Kunzmann, U., Baltes, P. B. (2003). "Wisdom-related knowledge: Affective, motivational, and interpersonal correlates". **Personality and Social Psychology Bulletin**, 29(9), 1104-1119.
- Roberts, B. W., Walton, K. E., Viechtbauer, W. (2006). "Patterns of mean-level change in personality traits across the life course: A meta-analysis of longitudinal studies". **Psychological Bulletin**, 132(1), 1-25.
- Staudinger, U. M., Baltes, P. (1996). "Interactive minds: A facilitative setting for wisdom-related Performance?" **Journal of Personality and Social Psychology**, 71(4), 746-762.
- Staudinger, U. M., Gluck, J. (2011). "Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field". **Annual Review of Psychology**, 62(1), 215-241.
- Sternberg, R. J. (1998). "A Balance Theory of Wisdom". **Review of General Psychology**, 2(4), 347-365.
- Sternberg, R. J. (2004). "What is wisdom and how can we develop it?". **The Annals of the American Academy of Political and Social Science**, 591(1), 164-174.

- Webster, J. D. (2003). "An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale". **Journal of Adult Development**, 10(1), 13-22.
- Webster, J. D. (2007). "Measuring the character strength of wisdom". **International Journal of Aging and Human Development**, 65(2), 163-183.
- Yang, S. Y. (2013). "Wisdom and good lives: A process perspective". **New Ideas in Psychology**, 31(3), 194-210.
- Yang, S. Y. (2014). "Wisdom and learning from important and meaningful life experiences". **Journal of Adult Development**, 21(3), 129-146.